

اتنوگرافی هزاره ها

انقلاب شور

گردآورنده: محمد عوض نبی زاده کارگر

نام کتاب : اتنو گرافي هزاره ها
گرد آورنده : محمد عوض نبي زاده کارگر

تیراژ : ۳۰۰۰

محل چاپ : مطبعه دو لتي

سال : ۱۳۶۵

کابل - افغانستان



اتنوگرافي هزاره ها

انقلاب ثور

گرد آورنده : محمد عوض نبي زاده کارگر

ناشر

وزارت امور اقوام و قبایل
ریاست نشرات وامور فرهنگي



پیشگفتار

افغانستان کشور باستانی ماکه خانه واحد همه ملیتها و واحد های خورد و بزرگ و گوناگون است. در شرایط و اوضاع اجتماعی و اقتصادی مشترک، بایگانگی و ارتباط محتوم حیات به سرسانیده داریم در راه سربلندی و سعادت و شگوفائی وطن کوشیده اند .

هزارهگان از دیو رگاها و در طول تاریخ پر افتخار و وطن ، مردمی بوده اند بر دبار و صبو راماهیچگاهی بمنظور حفظ خاک و ناموس کشور ، در برابر تطمیع و تهدیدهای اجنبی و زور مندانی که وابسته به آنان بوده سر تعظیم و تسلیم فرو در نیاورد ه اند . این ملیت بومی با شرف و عزت نفس بمنظور حاکمیت ملی و سربلندی میهن در کنار همه ملیت های برادر با پای مردی ، اعتنا و توانمندی کامل زیسته اند .

ولی ، این سر زمین باستانی ما از گاهی که چشم استعمار گران و استیلا پیشه گان غربی به آن آشنا و قدم نحس آنان در آن گذاشته

شد دیگر نتیجه سعی و تلاش بر آن قرار گرفته تا ملیت های
برادر افغانستان را از همدیگر ایشان بر کنار و متخاصم
نگهدارند. و به اساس این سیاست استعماری وحدت آنان را به تبعیض
و امتیاز تعویض نمایند. لذا پرخاش و ستیز نده گوی علیه همدیگر رایج
و حاکم بر سر نوشت خلق ما گردید. از اینرو، این سیاست تبعیض
و امتیاز تا پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک شور به خصوص مرحله
نویین و تکاملی آن ادامه یافت. که خوشبختانه پیروزی انقلاب شور
به اراده خلق افغانستان رو فند همه آن نابسامانی ها و ناصوابی های
زاده استعمار و عده یی از استعمار پسندان آن گردید. افغانستان مسیر
آزادی را در پیش گرفت و با پیروزی انقلاب مردم ما، کاملاً به آن دست
یافتند.

هزاره جات یا به قول عده یی از اهل پژو هس و تحقیق بنام
غرجستان، یاد شده که مفه و م کوهستان را می رساند. هزاره جات
منطقه وسیع و کوهساری است که در صفحه مرکزی کشور جاداشته
از نظر بررسی افغانستان شناختی قابل یادآور ی و یک پدیده و نمود ی
است دلپذیر، برای کافه هم میهنان و وطن پرستان کشور. تا باشد
روز و روز گاری اهل روشنگر و پژو هس، چهره زرین و پر هستی
این سر زمین خویش را به شکل شایسته به تفحص گیرند. و ما باور
مند آنیم که از فیض انقلاب و دست آورد های ملی آن به آرزوی خود
نا یل می آیم.

(محمد عوض نبی زاده)

۱۳۶۵

موقعیت و وضعیت جغرافیایی :

سر زمین هزاره جات ، درموجودیت و موضع جغرافیایی جا دارد که از جانب شرق و شمال شرق به زیستگاه برادران پشتون و تاجک ، از سمت غرب با برادران تاجک و ایما قبا ، در ساحات جنوب و جنوب غرب با برادران پشتون و در سمت شمال هزاره جات با برادران ازبک و ترکمن پیوسته گی دارند . که این پیوسته گی و آمیزش ها به صورت دائمی مسالمت آمیز بوده چنانکه ، خصوصیت های فرهنگی و اقتصادی و محلی در یک دیگرشان پذیرا که گاهی هم و در مواردی به خویشی و ازدواجها گره و در هم خونی انجامیده است .

سرزمین هزاره جات ، دارای کوه های بلند ، دره های طویل و فرورفته ، دریا های سرکش و دریاچه های شفاف می باشد . در کناره های این دریا ها و دامن های کم عرض دره ها زمینهای آبی زراعتی قرار داشته ولی ، ساحه تپه ها و لاشه کوه ها مورد کشت جو و گندم للمی ، تعبیه گردیده که زآنها بهره برداری میشود . موقعیت کوهستانی هزاره جات از سردترین مناطق کشور بوده که سردترین مناطق هزاره جات را ، ناهور ، پنجاب ، لعل و سر جنگل و شبر تشکیل داده که زمستان های طولانی سخت و دشوار همراه با برف باری ها و برف کوچه های مدهش توام است چنانکه درجه برودت ساحه های فوق در حدود چهل درجه تحت صفر میرسد . ذکر کوه و کوتلهای هزاره جات مهم و قابل دلچسپی بود . چون در مناطق هزاره جات زمینهای هموار خیلی ناچیز و کمتر وجود دارد چنانکه از فرازی یکی از کوهپایه ها و کوتلهای سر به فلک کشیده آن و یا از ستیغ بلند کوه با با که به جوانب مختلف این مناطق نظر اندازی شود که دشت و صحرا ها ، خود گواه بر گفته ما خواهد بود .

کوه های زیبا و مشهور آن :

کوه بابا ، کوه هلاکو ، کوه عروس ، بند پیتا و ، کوه شاه ، گل کوه ، کوه سر انداز و کوه سنگ یخ و غیره ...

کوتل های مشهور :

کوتل صدبرگ ، کوتل او نی ، کوتل زرد آلو ، کوتل زرد سنگ ، کوتل قو ناق ، کوتل ملا یعقوب ، کوتل شبر ، کوتل شاتو ، کوتل حاجی گک ، کوتل کالو ، و کوتل برادران است .

— کوتل او نی ، زادگاه و سرچشمه دریای کابل و فراسوی غربی و شمال غربی آن برخاسته گاه دریای هلمند است . کوتل او نی سه هزار و یکصد و پنج متر ارتفاع داشته که آن را مرتفع ترین بخش و مدخل شرقی مناطق هزاره جات میدانند .

— کوتل شبر ، در انتهای علاقه داری شیخعلی که تقریباً در شمال آن موقعیت داشته و وصل دره «شکاری» میباشد که ارتفاع کوتل مذکور به سه هزار و پانزده متر میرسد .

این کوتل ، حایل بین ولایت بامیان و ولایت پروان بوده که ضخامت طبقه برف آن در زمستان به یک متر و بیشتر از آن میرسد . و کوتل شبر ، قبل از احداث شاهراه سالنگ موصل سمت شمال کشور با کابل بود .

— کوتل ملا یعقوب ، مرتفع ترین کوتلها بوده که موصل ولسوالی بهسود با ولسوالی پنجاب می باشد .

— کوتل حاجی گک ، که بیش از سه هزار و سه صد متر ارتفاع دارد واقع در سیاه سنگ مربوط ولسوالی حصه اول بهسود بوده که در جنوب شرق دره (کالو) مربوط علاقه داری شبر و در شمال غرب دره حاجی گک قرار دارد .

سرزمین زیبا و طبیعی هزاره‌جات ویژه گی های به خصوص دارد که آشنا یی و معلومات به این سرزمین از نظر جیولوژی و جغرافیا یی تحقیق و بررسی علمی را ایجاب مینماید.

دریا و دریاچه ها :

دریای نامور هلمند، که از پای کوه بابا ی بهسود بر میخیزد و از گیزآب ارزگان عبور نموده دریا ی قلعه بست شهر لشکرگاه وصل دریای ارغندا ب شده، در ریگستان سیستان فرو میرود .

دریای یکاو لنک :

این دریا، از منطقه بند امیر سرچشمه گرفته وارد علاقه دری بلخ آب و ولسوالی سنگچار کمی شود .

دریای بامیان :

از کوه بابا سرچشمه گرفته از دره شکاری گذشته بولایت بغلان و سمنگان میرسد . و دریاچه های ولسوالی پنجاب که هم، از کوه بابا سرچشمه میگیرند از طریق ولسوالی های ورث و شهرستان به دریای هلمند میریزند . و همچنان دریاچه های ولسوالی های جاغوری و مالستان که به دریای هلمند وصل میشوند .

نباتات و گیاهای طبیعی و طبی :

این ها که در سرزمین هزاره‌جات به وفرت یافت میشوند عبارت اند از :

- زیره .
- بادیان .
- جوانی .
- خاکشیر .
- زبان بره (بار تنگ)
- گنده درونه .
- سیاه چرغو (کاسنی)

- تورکی درونه .
- بزباش
- بو لو (گندناي کوهی)
- قوق .
- رواش .
- پونه (پودینه)
- خطمی .
- اسپه گك
- توسله .
- سیچ .
- بویه
- خوله .
- گنده مزاق .
- کوزه تونی .
- بلد ر غو .
- پالی
- قاف .
- نر کچور . (نر کچول)
- اليله .
- بوربو . (بدره)
- اسپند .

وضع تاریخی :

در درازای زمان ، زنده گیی هزاره گان مشحون بوده از حوادث و رویداد های ناگوار و فراز و فرودهای ، چه در مرفه حالی کم و لی ، در مصیبت ها و رنج و غارت و محرومیت کشی ها بیحد و حصر . از جمله یورش های پی در پی چنگیزیان ، که توأم بوده با کشتن و غارت های

و به آتش کشیدند و آنها مانند ، به تارا چو آتش کشیدند و شهر «غلغل» در بامیان ، حمله های ناکام دو رامیر دوست محمد خان توسط قبیله چند که هادی آنان اجنبی ها بودند ، از ظهور حوادث خانمان سوز دور تاریخی که بگذریم وضع هزاره گان در دور جنگهای ده ساله امیر عبدالرحمن خان ، به دگرگونی ها ویرانگری های جبرانی ناپذیری کشیده شده قتل و قتلها ، حد و حصری نداشته اند ، مرگ و کشتار آدمیان با چارپایان توأم بود و امری بود قابل ستایش و ثواب. غارت و یغما ی اموال و غنائیم حیاتی نیز ، بدینمنوال. هزاره گان که صرف سیاست انگلیسی امیر عبدالرحمن را پذیرا نبودند و امیر را که بهانه و دستاویزش بود صرف با عقیده مذهبی و شیعه گفتن و ازایه الحاد به آنان. که در فرجام ، شدت عمل و تاخت و تراج و کشتارهای امیر ، منتج شد به مظلومیت و محرومیت های دیرپا و فرار و مهاجرت این قوم و وطن پرست به سرزمینهای همسایه و بیگانه گان.

پس از مرگ امیر بی بند و بار ، ردور پسرش حبیب الله خان وضع مردم کشور ، آراش نسبسی یافته و جنگ و خونریزی ها تا حدود زیادی ته کشیدند. مردم به زنده گی عادی دست یافتند. هزاره جات که از اثر جنگهای دراز مدت در تباهی و تشتت بی حساب فرو رفته بود ، مردم آن از لحاظ اقتصادی فرهنگی و اجتماعی در موقعیت و وضع ناهنجار و مظلومیت نامطلوبی قرار داشتند - آن رویداد دلخراش ده ساله دور امیر ، در طرز زنده گی مادی ، روانی ، حقارت و اسارت و زنده گی وسیاسی آنان نیز تا اثرهای منفی و سرخوردده گی ها بی جا گذاشت. که این پدیده ، اثر و ماجرای حسرتبار هم یکی دیگر از صد ها پدیده المبار تاریخی و اجتماعی ماست که نصیب و بهارمغان انقلاب ملی - دموکراتیک ثور رسید. وضع هزاره گان ، در دور شاه امان الله دموکرات ، بهتر شد و طوق اسارت و حقارت زدوش و گردن این ملیت و وطن پرست و صادق

از هم گسیخته گردید. در روز گارو گردو نه شاه امان الله، مردم کشور به خصوص مردم هزاره مجال و فرصت آن را یافتند تا زنده گی از هم پاشیده و ویران شان را سر و سامان دهند و از نا بسامانی ها برهند. و هزاره گان بودند که در برابر از مشی و حکومت شاه امان الله بیدریغ دفاع کرده پشتیبانی خویش را ابراز داشتند. ازینرو در جریان سالهای (۱۹۰۱م) و (۱۹۷۸) یعنی در مدت بیشتر از سه ربع قرن حادثه و موضوع چشمگیری که در زنده گی اجتماعی این مردم رخ داده اثر بارز داشته باشد در ساحه زیست آنان به ظهور نرسیده و لی این مردم، از معارف، شفا خانه، پروژه های ساختمانی و زراعتی، سرک و رشد فرهنگی به کلی بی نصیب بوده، نه اینکه از پست های دولتی و هرگونه حقوق و امتیازات اجتماعی محروم نگاه داشته شده، بلکه در آزا مورد تحقیر، تبعیض تخریب و نفرت قرار داشتند. معینا، این مردم صادق و زحمتکش و خادم و وطن، با پشت کار، با اهمیت بلند و درستی عمل همواره در امر ساختمان کشور به حیث نیروی عمده کار انسانی سهم بارز و بی ریا داشته اند. از هیچگونه سعی و تلاش و از خود گذری دریغ نورزیده در هیچ امری از امور کشور بی مبالا نبود هاند. و هیچگاهی، در راه عمران و وطن دستان آنان خالی از آبله های کار و پیکار نبود هاست. چنانکه، در یکی از شماره های جریده «پرچم» ارگان نشریاتسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، چنین میخوانیم:

(مردم زحمتکش و وطن پرست هزاره که عمده تا در قلوب کوهستانات مرکزی افغانستان زنده گی میکنند در امر انکشاف و خدمت به وطن محبوب افغانستان سهم بزرگ ایفا کرده اند این فرزندان زحمتکش و وطن در دشوارترین شرایط محیطی در گرمای و سرما در دشت و کوهستانات به وسایل ساده بیل و کلنگ تا وسایل غول پیکر ماشین در خدمت آبادی وطن قرار گرفته، و پیوسته در خدمت خلق و مادر وطن کمر بسته اند. کارگران پاک دل و وطن پرست

هزاره توانسته اند آنرا فرا بگیرند و بکار خستگی ناپذیر و عمل را ستین خود سکوت مرگبار دشت های وحشی و رام کردن دریاها و اعمار جاده های کو هستانی اهلیت و طن پرستی خود را ثابت سازند)

وضع اقتصادی هزاره گان :

هزاره جات يك سر زمین کاملاً کوهستانی است که ساحه های قابل زرع آن کم بوده چندان قابل زراعت نمی باشد . با این ، تمام ساکنان پیشه زراعت و مالداري داشته که اساس زنده گی آنان را تشکیل میدهد . چون نسبت کوهستانی بودن زمینهای کشت و زرع آن به غایت کم است لذا زمینداران حاصل کم از زمین های شان برداشته که این انداز تولید در هزاره جات فوق العاده ناچیز است . از این جهت ، باید متذکر شد که تکرر روز افزون نفوس ، عدم کارخانه و کارهای صنعتی ماشین و وضع نامساعد طبیعی و اقلیمی پشت این مردم رازیر بار اقتصاد هیچ و ناچیز به انتهای درجه خم کرده است . و به خصوص شدت و کثرت امراض دربین اکثریت اهالی و به خصوص مرض خائما نسوز لپر (جذام) در مناطق لعل و سر جنگل و یاکاو لنگ ولایت بامیان .

زراعت در هزاره جات به شکل کاملاً ابتدایی جریان داشته ، قلبه ذریعه گاوان صورت گرفته آبیاری و درو ، جغل و پاک کاری گندم از کاه بادست و به روشهای کهنی و عقب مانده انجام میگیرد ، کشت آبی وللمی در تمام هزاره جات يك فصله بوده که این موضوع دهقانان را در محرومیت ، فقر و نیازمندی دائمی نگاه داشته است . اما ، با اینهم گندم ، جو و جوار ی ، نخود ، شاخل و کلول ، باقلا و عدس کشت و مورد استفاده قرار میگیرند . از رشقه و شبدر که بیشتر از دوبار در سال دور نمیدهد برای زمستان مال و مواشی و چارپایان استفاده میشود در سالهای آخر ، زرع کچالو نیز تا حدودی در بعض از نقاط هزاره جات مثلاً ، در ولایت بامیان رایج گردیده که نتیجه قابل ملاحظه ای از آن در دست آمده . و شالی کاری هم ، در شهرستان ، سرخ جوی ورث

ولسوالی خواهی که عمری و ولسوالی دوشی صورت گرفته که مورد بهره برداری است. نسبت برو دت هوا، غرس واحدات باغها و درختان میوه در اکثر مناطق هزاره جات معمول نبود. تنها در مناطق گرمسیر چون، شهرستان، جاغوری، جفتو قره باغ، دایکندی و قسما در ولسوالی یکاولنگ مرکز با میا ن وجود داشته که از آنها رفیع نیازمندی میشود. درختان بید و چنار در همه جا وجود داشته که از آنها صرف در پوشش منازل و ساختن دروازه ها استفاده میگردد. مالدار ی و دام پروری، از فعالیت و کارهای عمده اقتصاد ی این مردم بوده چنانکه کمتر خانواده یی رامیتوان سراغ کرد که در کار دام داری تشبث و اشتغال نداشته باشد. زیرا، تا حدودی تپه ها و کوه های هزاره جات سرسبز و دارای علفهای مفید طبیعی میباشد. و علفچر های هم که زمینه را برای مالدار ی مساعد گردانیده است. چون در هزاره جات ا زهیچگونه فابریکه و موسسه صنعتی نامونشانی که جوابگوی نیازمندی و مشغولیت و تربیه آنان در کارهای صنعتی و ماشینی گردد وجود ندارد از این رو، مردم خود برابر با استعداد و سلیقه و جدو جهد شان سعی و تلاش به خرچ داده، گلیم، برک، شال، نم، کرک، خامک و دوزی، جراب، جاکت و دیگر اشیا ی پشمی را با زیبا یی و کیفیت خاصی تولید نموده که اگر از جانبی جوابگوی نیازمندی های شان است. از جانبی این فرآورده های دستی از محبوبیت و پسند عام و خاص مردم کشور نیز برخوردار است که خوشبختانه در روزگار حاضر صنعت قالین با فی هم در بعضی از مناطق هزاره جات رایج گردیده. حرفه های نجاری، آهنگری و خیاطی به شکل کیفی و اطمینان بخش آن در هزاره جات در خور ستایش و پدیدۀ امیدوار ی آینده ماست.

دربخش تجارت :

تجارت هزاره گان، به صورت عنعنه یی و ساده آن رایج بوده که اکثر اهالی مناطق اجناس و اشیا ی از قبیل : زیره، بادام، خسته،

شیرین بویه ، چوب تعمیرا تی، کچالو ، پشم ، روغن حیوا نی،
گوسفند ، گلم وبرك ، نمذ ، قروت و جا کتھا ی پشمی را آنهم به مقدار
کم و ناچیزی در جا های مختلف و شهر کابل انتقا ل و عر ضه
نموده در برابر مواد اولیه و ضروری مایحتا ج شان را تهیه و درزیستگاه
های شان انتقا ل میدهند .

بخش فرهنگی :

خلق هزاره ، (نودوپنج) فیصد مذهب اثناعشر ، (چار) فیصد پیرو
فرقه اسماعلیه يك فیصد مذ هب تسنن داشته و از نظر فیصدی کمتر
اهل تشیع « اخباری » دارند . از عنعنه های مردم هزاره است که اهل
سادات خویش را از خاندان بنی هاشم دانسته به آنان احترام می
نمایند چنانکه ، دست های آنان را بوسید و از پنج قسمت عوا ید
خانواده يك قسمت آن را به نام « خمس » به اهل سادات می پردازند .
هزاره گان ، به زبان دری (لهجه هزاره گی) سخن گفته اما با اینهم
طرز صحبت و گفتار های لهجه ی بین قبایل ده گانه آنان با کم
تفاوت های در جریان است . مردم هزاره در سرودن شعر عا میا نه
و ادبی ، نثر نویسی ، تاریخ نویسی و داستان سرایی ید طولانی
داشته که بخش پر افتخار فرهنگی کشور ما را تشکیل میدهد . که بد
بختانه مدتی از رشد آن جلوگیری به عمل آمده هیچگونه
توجهی صورت نگرفته اما ، خوشبختانه و باصراحت میتوان گفت که
بعد از پیروزی موفقانه انقلاب ملی - دموکراتیک خلق افغانستان ،
به منظور تبارز و رشد فرهنگ غنی ، پسندیده و دیر پای خلق
هزاره ، اقدامات سود بخش و عملی روی دست گرفته شده که در اکثر
نشريات کشور تبارز نمود و چنانکه طبع و نشر اشعار ادبی و عا میا نه
ضرب المثله ، فلکلور ، داستان ، مقاله های در زمینه تاریخ و سرنو -
شت این قوم ، طی مجله ملیت های برادر و جریدۀ ندای کپسا رارگان
نشراتی شورای مرکزی مردم مژمتکش ملیت هزاره به چاپ
و نشر رسیده و « گلهای کپسار ساله » لهجه های مروج مردم هزاره ،

دایزنگی ، بهسود و جاغوری « که طبع گردیده در دسترس علاقمندان
ومردم ماقرار گرفته .

نمونه های از چار بیتى ، چستان و ضرر بالمثلها :

چاربیتى :

لب جو یه لب جو یه گلی مه .

چطور لالان و مجرویه گلی مه .

زدست مردمان دوراز انصاف .

سخن باما نمیگو یه گلی مه .

• • •

چطور از دور پیدایی موهردو .

عجب از عشق سودایی موهردو .

به مثل روزه داران روزه دارى .

بیا که روزه بکشایی موهردو

• • •

دیدى مه کولى (کلاه) گلدار مودوزه .

يك ، دو نمو دوزه بسیا ر مودوزه .

به دوختو (دوختن) یار مه جوړه نداره

جوب (اندازه ، برابر) سر یادلدار مودوزه .

• • •

ضرب المثلها :

روى بچی توره از خاطر روى بچی خود خو مخ (ماچ) موکنم .

(در مورد ارادتمندی)

مه از شیر بزه کان خو (خود) ، توچکه و سر خکان (نوع میوه
کوهی)

(در مورد تعاون و بی امتیازی)

خر تو اگه آورده نتانست ، برده هم نمیتانه .

(در مورد سوغات و سیالهداری)

د رمورد چیستان

رسیون (ریسمان) رسه رسه (پارچه پارچه) هر چه دراز کنی
میرسه

(چشم)

دسترخان زنگا لی سر تاپایشی مرواری
(آسمان)

طاقچه ، پر میخچه .

((دهن))

قورغول بره بازیگر نه دل داره نه جگر
(مشك دوغ)

هزاره گان مانند سایر ملیت ها، اقوام و قبایل کشور، دارای سنن و عرف و عئنه های پسندیده بوده که از دیر گاه و پارینه های دور، حافظ فرهنگ اصیل مردم می و ملی و سروده های خوش و منتخب خویش بوده اند، که البته این سروده ها از نظر مناطق مختلف با آواز و لحن های گوناگون توسط آله های متنوعی چون، دنبوره، سه تار، غیچک، توله نواخته و خوانده میشود که اینها همواره به شکل زیاد گرم و دلچسپ آن در مراسم اعیاد، روزهای ملی، جشنواره ها و مراسم عروسی و غیره برگزار میگردد. و همچنان در شبهای زمستان افسانه گوئی، داستان سرایی نقل از سرگذشت های بزرگان و فولکلور و خواندن کتابهای «حمه حیدری» (جنگ نامه حضرت علی) شاهنامه فردوسی و کتابهای عاشقانه توسط اشخاص خوش لحن و خوش آوازه سروده و خوانده میشوند. و از بازی های محلی مانند: پشیو زدن، کشتی گیری، نیزه زدن و اسب دوانی نشان زدن، پرتاب سنگ، دور میخ، گرگ و بره مروج است. هزاره گان روزهای خاص و مقدس مذهبی شان چون، روز نورو ده محرم، لیله القدر، عید غدیر (خم غدیر) برات و چارشنبه

سو ری را با اکرام و عقیده خاصی تجلیل و تعقیب مینمایند که توأم است باندر و خیرا تنها .

و همچنان دهقانان که روزهای اول سال و اخیر سال رادریارت گاه و یا مساجد به منظور حاصل زیاد از کشت و کارشان تجلیل و بر گزار مینمایند که اینهم باداد نذر و خیرات ها انجام میگردند .

بخش اتنوگرافیک ملیت هزاره:

در مورد هزاره گان بو می کشور ما ، اشخاصی را عقیده براین بود ه که هزاره گان بقایای ا زلشکریان چنگیز خان بوده چنانکه ، در زمینه حکایه های افسانه و اسر داد ه شده جعل پردازی ها و نظر های ناصواب به مردم ما رای ه گردیده ه که از این رو ، باید به این نادرستی های غیر باوری واقعی نگذاشت زیرا ، ریشه همگون و علمی و تاریخی ندارد . و بعضی از اهل نظر و موسفیدان این قوم را عقیده ه مطمئن بر این است که وجه تسمیه هزار ه جات که اصلا هزار جها ت یعنی هزار ه دره است . نظر به تحقیق و مطالعات علمی بعضی از دانشمندان و اهل خبر ه و تماس های که با موسفیدان محل ها صورت گرفته در باره منشأ تاریخی تجمع ملیت هزار ه ، آنان را عقیده براین است که ملیت هزاره از لحاظ تشکل تاریخی و اتنو گرافی (طایفه ، نژاد) به قبایل بزرگ و مختلف منقسم و مسما گردیده ه اند که هر یک از آنان به «دای» یاد میشوند .

«۱- کلمه «دای» که معنا یشودسته ، توده ، مجموعه بسیار و بزرگ است . هم در اساس مساکن و هم در نام مردم و نام آشیا تاکنون باقی است . جامع التواریخ اشخاص را از قوم فقرات که از جمله قبایل ترک است بنام های ، بایو دای - دی نو یان ، تودای خاتون ضبط کرده است .

۲- بایودای همان هر باتا نبد یشا ن تعلق داشته ... تو دای خاتون است . در فارسی باستان کلمه «دهیو» به معنای اقلیم ، سر زمین ولایت به کار میرفته است .

۳- امکان دارد کلمات دی زنگی سر زمین زنگی بای - دایکندی سر زمین کندی بای - دای میرداد سرزمین میرداد - دای دیغو - سر زمین دهگان همه از همان کلمه (دهیو) ما خود باشد که از آنگاه تاکنون بر جا مانده اند و کلمات « بیو ، با یو بیگ و دی بصورت بسیط و مرکب د راسما مختلف وجود دارند.

(دی) در زبان هزاره گی خواه بسیط ، خواه به معنای ذیل تاکنون مستعمل است:

دی ، کود و خره بز رگ - علف ، گاه ، هیزم وغیره که بشکل ذخیره بز رگ روی هم انباشته باشد . دی بسیار زیاد ، مثال روغو دیدی دره . یعنی روغن بسیار دارد . ونیز «دای» به شکل پیشوند در اسما ، دیزنگی ، دیکندی ، دی دیغو ، دی چوپو ، دی میرداد دی ختای موجود است ...)

نمونه های از فرهنگ شفاهی هزاره گی
کاندید اکادمیسین شاه علی اکبر شهرستانی .
واما ، به عقیده هزاره گان وعوام کلمه دای ، به معنای تجمع خرمن و انبار شدن است . چنانکه در بین برادران پشتون ما ، قبیله ، طایفه خیل ، زی ، دسته و شاخه یاد میشود .
بدین ترتیب ، ملیت هزاره به قبایل و یا (دای) های بز رگ ذیل تقسیم و یاد میشوند :

۱- دای ختای (ارزگان)

۲- دای میرکشه (در جاغوری)

- ۳-دای فولاد (شمال ارزگان)
- ۴-دایکنده ی (جنوب غرب دایز نگی وایماق)
- ۵-دایز نگی (در جنوب غرب کوه بابا)
- ۶-دای میرداد (در شرق دایز نگی)
- ۷-دای دهقان (در بهسود شرقی)
- ۸-دای چوپان (در جنوب شرق دایکنده ی)
- ۹-دای قوزی (در شمال با میان وشیر)
- ۱۰-دای میرك
- ۱۱-دای کلان (در علاقداری شیخ علی و لایت پروان)
- ۱۲-دای مرده گان (در ولسوالی های بهسود و لایت وردك و قره باغ ولایت غزنی)



دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان
در تاریخ کشور باستانی وطن پرانتهارا اولین
دولتی میباشد که مصمم است تساوی
کامل و واقعی حقوق و امکانات مساویانه
را برای رشد مادی و معنوی همه
ملیتها، اقوام و قبایل کشورتأمین
کند.

برنامه عمل

اول: قبیلہ دای زنگی کہ شاخہ های آن قرار ذیل بوده در
 ولسوالی های پنجاب ورث ویکا و لنگ و لایت بامیان
 و ولسوالی های لعل و سر جنگل و لایت غور بود و باش دارند.

در ولسوالی پنجاب:

قبیلہ → شاخہ لکڑی . (قوم لکڑی)

قبیلہ → شاخہ شاہی .

شاخہ تانی .

شاخہ زیور .

شاخہ مکه و بابہ جی .

شاخہ ترغی .

شاخہ باتورک .

شاخہ فردوس .

- شاخه شخالا

- شاخه ماموتو

- شاخه دلتور

- شاخه محمود

- شاخه سه پای

- در ولسوالی ورث :

- شاخه شخه :

- شاخه میرپچه

- شاخه زاید م :

- شاخه پیر مزید :

- شاخه میرزا

- شاخه یاری

- شاخه برنی

- شاخه پتره .
- شاخه مقدم :
- شاخه باتورك .
- شاخه شاهي .
- شاخه لگزايي .
- شاخه بابيه جي .
- شاخه غيب على .
- شاخه خوردك زايي .
- در ولسوالي يكاو لنگ :
- شاخه قوم آبه .
- شاخه مير بچه .
- شاخه خوردك زايي .

- شاخه صالح .

- شاخه لاکو .

- شاخه تکانه .

- شاخه انده ورستم .

در ولسوالی لعل و سرچنگل :

- شاخه قره قول دخی .

- شاخه نوروز بیگ .

- شاخه حیدر بیگ .

- شاخه اسد الله بیگ .

- شاخه میر رجب .

- شاخه اسمیل .

- شاخه بوبک .

- شاخه شدک .

- شاخه کره .

- شاخه بابه‌چی .

دوم: قبیله دایکندی که شاخه‌های آن قسراً زیر

بوده و در ولسوالی دایکندی ولایت ارزگان بود

باش دارند :

- شاخه خدیر .

- شاخه خودی .

- شاخه دوده .

- شاخه حیدر بیگ .

- شاخه دولت بیگ

- شاخه احمد بیگ

- شاخه فیروستان .
- شاخه میر هزار .
- شاخه ساریان .
- شاخه نیکه .
- شاخه پیکر .
- شاخه قم علی .
- شاخه چاوش .
- شاخه عبدی .
- شاخه وسعه .
- شاخه پای بوغه .
- شاخه پیر علی .
- شاخه عینک .

- شاخه سونه .

- شاخه مامک .

- شاخه ترموش .

- شاخه قوم مادی .

- شاخه خوشک .

- شاخه پاینده .

سوم : قبیده دای میرکشته که شاخه های آن قرار ذیل

بوده در ولسوالی های قسره باغ جغتو، خواجه عمری

ناهور ولایت غزنی سکونت دارند :

در ولسوالی جاغوری :

- شاخه اته .

- شاخه حوتقول .

- شاخه ده مرده .
- شاخه هیچه .
- شاخه بابیه .
- شاخه چهل باخو .
- شاخه سنگ ماشه .
- شاخه پاطو .
- شاخه مکه .
- شاخه خوشه .
- شاخه کری .
- شاخه زیرک .
- شاخه داود .
- شاخه انگوری .

- شاخه حیدر .

- شاخه دولت شاهی .

- شاخه قره .

- شاخه باغچوی .

- شاخه خدایداد .

- شاخه بوسعید مهاجر .

- شاخه لومان .

- شاخه اکنه .

- شاخه خیرکد .

- شاخه سید علی .

- شاخه معصوم .

- شاخه نصر الله .

- شاخه مرده خوش

- شاخه احمد .

- شاخه شعله .

- شاخه بابه کمال .

- شاخه سید احمد علودال

- شاخه باریک .

- شاخه شیرزایده

- شاخه ایزدوری .

- شاخه المیتو .

- شاخه سبزچوپ

- شاخه تبرغنگ

شاخه کمرک .

در ولسوالی قریباغ :

شاخه محمد خواجه .

شاخه جمال .

شاخه بهبود .

شاخه دلتور .

شاخه چهار دسته .

شاخه دای میرک .

شاخه ده مرده .

در ولسوالی جغتو :

شاخه محمد خواجه .

شاخه نور بیگ .

- شاخه قطفیت .

- شاخه بیات .

- شاخه شاهو .

در ولسوالی خواجہ عمری :

- شاخه الیاس .

- شاخه بیات .

چهارم : قبیلہ داسی فولاد که دارای شاخہ های ذیل

و در ولسوالی های مالستان ، اجرستان ولایت

غزنی و ولسوالی کجران ولایت ارزگان زندگی

میں نمایند :

در ولسوالی کجران :

- شاخه میر هزار .

- شاخه خوشک .

- شاخه الله بار .

- شاخه قورمه .

- شاخه گنجی .

- شاخه غوله .

- شاخه گدای .

- شاخه میکه .

- در ولسوالی مالستان :

- شاخه ملکی .

- شاخه مکنک .

- شاخه پشی .

- شاخه شیرداغ .

- شاخه ایچه .

- شاخه میرآدینه .

- شاخه موریتی .

- شاخه داله .

- شاخه خوردک زایده .

- شاخه میراحمد .

- در ولسوالی اجرستان .

- شاخه دایه .

- شاخه باسی .

- شاخه دای بکره .

- شاخه بریکی .

- شاخه ایچک .

پنجم :- قبیلہ دای کلان کہ شاخہ های آن قرار ذیل بوده
 ولسوالی های سرخ پارسا، دوشی و علاقہ داری های
 شیخ علی، تالہ برنگ، دہن غوری و در سزارہ های -

علاقہ داری حصہ دوم پنجشیر سکونت دارند :

در ولسوالی شیخ علی :

شاخہ نیمان .

شاخہ کرم علی .

شاخہ قرہ لوغ .

شاخہ خدای داد .

شاخہ غایب داد .

شاخہ امورداد .

شاخہ عبدالواحد .

شاخه زی قاضی .

شاخه زی عزیز .

شاخه شکرالله خوشحال .

شاخه توحی .

شاخه میرکه .

شاخه بهلول .

شاخه مقصود .

شاخه زی کاکه .

درعلاقه داری حصه دوم پنجشیر:

شاخه بابا علی .

شاخه مهر علی .

شاخه سنگی خان .

- ۱. شاخه گلاب خیل .
- ۲. شاخه دوست علی .
- ۳. در ولسوالی سرخ پارسای ولایت پروان :
- ۴. شاخه خدیر .
- ۵. شاخه الله داد .
- ۶. شاخه شیرک .
- ۷. شاخه دولت خوانی .
- ۸. شاخه علی خوانی .
- ۹. شاخه قوتمند .
- ۱۰. شاخه سرخ .
- ۱۱. شاخه رحمن قلی .
- ۱۲. شاخه ابدال .

شیخه عفت

شیخه عفت

- شاخه لطف الله -

شیخه عفت

- شاخه فقیر الله -

شیخه عفت

- شاخه پاینده -

شیخه عفت

- شاخه زعیطا -

شیخه عفت

- شاخه شخه -

شیخه عفت

- شاخه بابه تول -

شیخه عفت

- شاخه مخفی -

شیخه عفت

- شاخه شاد محمد -

شیخه عفت

- شاخه منصور بیک -

شیخه عفت

در ولسوالی غور بند ولایت پروان :

شیخه عفت

- شاخه فرینجل -

- شاخه لیج .

- شاخه قول خول .

- در علاقه داری تاله و برفک .

- شاخه کرم علی .

- شاخه اش خوجه .

- شاخه علی جم .

- شاخه شیخ علی .

- در علاقه داری دهن غوری ولایت بغلان .

- شاخه نیمان .

- شاخه دای میرک .

- شاخه علی جم .

- شاخه قعی .

- ۱. شاخه لرخوری .
- ۲. شاخه ده مرده .
- ۳. شاخه بهبود .
- ۴. شاخه گاوی .
- ۵. شاخه قره لوغ .
- ۶. در ولسوالی دوشی ولایت بغلان :
- ۷. شاخه گاوی .
- ۸. شاخه گری .
- ۹. شاخه چهل غوری .
- ۱۰. شاخه علی جسم .
- ۱۱. شاخه نیک پی .
- ۱۲. شاخه شیخعلی .

شاخه لر خوی .

شاخه کوه گدای .

شاخه کرم علی

شاخه اش خوجه .

ششم : قبیلہ دای دہقان کہ شاخہ های آن قرار

ذیل بوده در ولسوالی های حصہ اول دوم بہسود ولایت

وردک و ناہر ولایت غزنی سکونت دارند :

در ولسوالی مزکز بہسود :

شاخہ قبیلستان .

شاخہ خواجہ حسن .

شاخہ بہسود .

شاخہ میر شادی بیگ .

شاخہ رامونز .

- شاخه نوری .

- شاخه شیرداد .

- شاخه میرچه .

- شاخه دوست دار .

- شاخه چوکنده .

- شاخه تیزک .

- شاخه آب پای .

- شاخه درویشان .

- در ولسوالی ناور ولایت غزنی :

- شاخه مومرک .

- شاخه قره قول .

- شاخه میزه .

شاخه درویش علی .

شاخه میثادی بیگ .

شاخه بهبود .

شاخه میرچیه .

شاخه خوردک زای .

شاخه کلان زای .

شاخه جمبود .

شاخه خان بیان .

شاخه خانبهادر .

شاخه مرک .

شاخه یرک .

شاخه چولی .

- شاخه میرچمیل کند .

- شاخه بابه که .

- شاخه علی دوست .

- شاخه خور دی .

- شاخه الله داد .

- شاخه عطا .

- در ولسوالی حصه اول بهل سود :

- شاخه دولت قلی .

- شاخه چولی .

- شاخه دولت مراد .

- شاخه ملا مراد .

- شاخه موشله .

- شاخه جانم .
- شاخه برغسان .
- شاخه قول خوش .
- شاخه خالیق .
- شاخه جری .
- شاخه برجکی .
- شاخه ابوالحسن .
- هفتم :- قبیلہ دایمیر داد کہ شاخہ های آن قرار ذیل
 بوده کہ در عداقت داری دایمیر داد ولایت وردک
 و ولسوالی قرہ باغ ولایت غزنی سکونت دارند ؛
 در ولسوالی قرہ باغ ولایت غزنی ؛
 - شاخہ دامردہ .

شاخه دوله شه .

شاخه گاه مرده .

در علاقه داری دایمیر داد :

شاخه علودال .

شاخه مقصود .

شاخه حیات .

شاخه پشکر .

شاخه دوله شه .

شاخه قلندری .

شاخه فخری .

شاخه دره مان .

شاخه نرخی .

- شاخه جمبوغه .

- شاخه مومك .

- شاخه سلايمو .

- شاخه چنگه .

- شاخه توله خشه .

هشتم :- قبيله دای قوزی که شاخه های آن
قرار ذیل بوده و در علاقه داری شبر و قرا مرکز -
ولایت بامیان ، کههر دو سیغان سکونت دارند ؛
در علاقه داری شبر ولایت بامیان :

- شاخه درنمان .

- شاخه غذک .

- شاخه خیده .

- شاخه شیخه .

- شاخه جلسیش .

- شاخه عادل .

- شاخه ایام .

- شاخه شاک .

- شاخه کشی .

- شاخه شاه قدم .

- شاخه عراق .

- شاخه غلام علی .

- شاخه ماموت .

- شاخه جواء .

- شاخه رشک .

- شاخه بدل.

- شاخه قوچنغی.

- شاخه کوردی.

- شاخه جمع علی.

- در ولسوالی کهمرد و سیغان

- شاخه خواجه علی.

نهم :- قبیلہ دای میرک که یکی از قبایل کوچک ملیت

هزاره بوده و در ولسوالی های مرکز بهسود ولایت

وردک و حصه اول بهسود وردک و علا قدری

دهن غوری ولایت بغلان سکونت دارند.

دهم :- قبیلہ دای چوپان که شاخه های آن

قرار ذیل بوده که در جنوب شرق ولسوالی -

دایکندی در ولسوالی های اجرستان ولایت غزنی
 شهرستان و خاص ارزگان ولایت ارزگان -
 و ولسوالی دای چوپان ولایت زابل سکونت دارند:
 در ولسوالی شهرستان :

- شاخه خوش آمدی.

- شاخه غولکه.

- شاخه میره مور.

- شاخه لوکر.

- شاخه برکر.

در ولسوالی اجرستان ولایت غزنی :

- شاخه باسی.

- شاخه دای بکره.

- شاخه بریکی .

- شاخه دایه .

در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان:

- شاخه زاوی .

- شاخه سیدان .

- شاخه شالی .

- شاخه باغچار .

- شاخه کالو .

- شاخه سیابغل .

- شاخه حسینی .

- شاخه سیوک .

شاخه های که در ولسوالی گزآب ولایت ارزگان

بود و باش دارند :

- شاخه میانه تاغ .

- شاخه بری .

- شاخه زین .

- شاخه خلیج .

یازدهم : قبیله دای ختای که شکل پرانده در -

و لسوالی های خاص از زگان ، گزاب کجران ولایت

از زگان زنده گی ینمایند قبیله مذکور به مرور زمان -

بداخل شاخه های جداگانه ادغام گردیده است .

دوازدهم : قبیله دامرده گان در ولسوالی های -

مرکز بهسود ولایت وردک ، قره باغ ولایت غزنی ،

و علاقه داری دهن غوری ولایت بغلان سکونت

داشته به مروز زمان قبیله مذکور در بین شاخه های دیگر
ادغام یافته و کدام شاخه جداگانه از خود ندارد .

قسمتی از قبایل دوازده گانه مناطق هزاره نشین
کشور در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان از مناطق
اصلی بود و باش شان در ولسوالی ها و محلات زون
شمال شرق و شمال غرب کشور فراری گردیده که فیل
از محلات مسکونی شان نام برده میشود :

- ۱- ولسوالی خان آباد ولایت کندز .
- ۲- علاقه داری علی آباد ولایت کندز
- ۳- علاقه داری های خنجان ولایت بغلان و دره هزاره
های پنجشیر ولایت پروان .
- ۴- ولسوالی های اندراب ولایت بغلان ولسوالی نهرین ولایت بغلان .

۵- ولسوالی های تیوره، تولک، پسابند ولایت غور مرکز
ولایت بادغیس .

۶- ولسوالی های چمتال، بلخ و نهر شاهلی ولایت بلخ.

۷- ولسوالی درصوف ولایت سمنگان .

۸- علاقه داری های شوگر و چارکنت ولایت بلخ .

۹- ولسوالی های سرپل و سنگ چارک ولایت جوزجان

۱۰- علاقه داری بلخ آب ولایت جوزجان .

۱۱- قریه جات پشت بند مرکز ولایت سمنگان .

۱۲- ولسوالی پلخمری ولایت بغلان .

۱۳- ولسوالی روی دو آب ولایت سمنگان .

۱۴- ولسوالی کشم ولایت بدخشان .

۱۵- علاقه داری خوشی ولایت لوگر .



۱۶- مراکز ولایات هرات، کندمار و تخار، شهر
مزار شریف و بلخند.

باید تذکر داد که قبایل دوازده گانه ملیت هزاره
در مراکز ولایات و لسوالی ها و عملی قدری های فوق الذکر
با فیصدی های مختلف و شاخه های جداگانه
زنده گی می نمایند.

وضع خلق هزاره بعد از انقلاب ثور:

انقلاب ملی - دموکراتیک ثوری (دیگر گونی های حیاتی در سطح ملی). آنچه در وضع تاریخی هزاره گان تا انقلاب ثور گفته آمد، بر هیچیک از اهل خبره، چیز فهم و روشنفکران و طن پرست پوشیده نبوده حتی برای فرد فرد موسفید، سالخورده گان تمام ملیت های خورد و بزرگ کشور. ولی از آنجا و روزگاری که پنجه و قدم های خناس استعمار یا جهان خوار انگلیس بر تانوی در سر زمین یاستانی و نامور افغانستان فر و گذاشته شد دیگر از هم گسیخته گی ملی و برادری، ستم و تبعیض ملی رایج گردیده سود او بازار، امتیاز عمل و رونما شد. شاهان الله، که بنیان گذار دوستی افغانستان و اتحاد شوروی شد و خشت و آجر محتوم و پایه دار خلق این دو کشور همسایه و برادر رانهاد. این به مذاق سالاران بی فرهنگ و خود کامه داخلی و غارتگران انگلیسی بد آمده، نتیجه همان شد که سراسر ملیت های نیک نیت افغانستان زیر چکمه های ویرانی قرار گرفته تخم امتیاز و تبعیض تاحد بینهایت کاشته شد همه ملیت ها، تحت ضرب، تاخت و تاز غارتها کمر خم نمودند. به خصوص به شکل زیاد بی رحمانه، ملیت مظلوم هزاره وطن. اما خوب بخت آنه که آن جریان و زمان بر خلق افغانستان نتوانست که دیر گاه هان بپاید، زیرا، که انقلاب کبیر اکتوبر، گاه ها پیش تاثیرش را در سرنوشت و جان مردم افغانستان گذاشته و بخشوده بود. خلق نجیب و پاک طینت افغانستان، با استعداد فطری و خدا داده شان، با آنکه سالها پیش گردن در طوق اسارت و استعمار کهن ننهادند بودند و حال که پنجه های امپریالیزم ایالات متحده امریکا در شوون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خلق افغان نفوذ داده شده بود، دیگر نمیتوانست که انقلاب ملی - دموکراتیک در افغان - نیستان صورت نگیرد. چون انقلاب خواست مردم افغانستان بود و

انقلاب و آزاد منشی در خون و جان مردم ما، عجیب و به سر شست
شده بود ازینرو انقلاب پیروز شد و خلق افغانستان حاکم سر
نوشت و راه و هدفی را که انتخاب کرده، بودند بدان نایل شدند. درین
میان، به خصوص خلق هزاره وطن.

بعد از پیروزی انقلاب ثور، بالاخص بعد از پیروزی مرحله
تکامل آن، تمام ملیت های برادر افغانستان در کنار هم باتساوی
حقوق کامل قرار داده شدند. از جمله هزاره گان در بخش های
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر خوردار گردیدند. از
همه که بگذریم، ایجاد و تاسیس شورای مرکز ی مردم زحمتکش
ملیت هزاره را باید یاد آور شد. تا سیس این شو را، یسک
پدید و تصادفی نبود. این حاصل کار و عمل انقلاب و حزب
دموکراتیک خلق افغانستان است که میتوان آنرا یکی از دست آورد
های سیاست ملی و انسائی انقلاب و حزب دانست، که در آن هزاره ها
به حل امور زنده گی شان میرسند. از این جهت هزاره گان بعد از،
انقلاب ثور، به منظور تحکیم پایه های انقلاب و حاکمیت ملی سهم،
معین و برارنده در ایجاد قوت های قومی و گروه های مدافع انقلاب
گرفته سهم و تصمیم بیدریغ در تقویت صفوف قوای مسلح ج.د.ا،
(اتخاذ نموده اند. ازین و فیض انقلاب زمینه برای شمول هزاره گان
در کادر های ملکی، نظامی، دولتی، حزبی و به شکل همه جانبه در همه
امور اجتماعی میسر گردیده که بیشتر فراهم میگردد، اکنون، دروازه
های تحصیل همه موسسه های تعلیمی و قوای مسلح به روی هزاره
گان باز است. و زمینه شمول جوانان و فرزندان ملیت هزاره در تمام
موسسه های تحصیلی و علمی کاملاً میسر و مهیا میباشد.

۵۳-
محمد خواجه و دیگران
بسم الله الرحمن الرحیم